

یمن ایرانی ها

۱۰ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۲۱:۴۷

انوشیروان با بزرگان دربار خود مشورت کرد. آنان گفتند در زندان گروهی از بزهکاران هستند که می‌توان آنها را فرستاد، اگر کشته شوند، زبانی نرسد و اگر پیروز شوند، کشوری را بدست آورده‌ایم. خسرو این رأی را پسندید و تعداد ۸۰۰ محکوم به مرگ را به سرداری وهرز دیلمی با هشت کشتی در سال ۵۷۶ میلادی به یمن فرستاد

در سال ۵۷۰ میلادی سپاه حبشه به سرکردگی ابرهه بنای دست‌اندازی را به سرزمین یمن گذاشتند و مردم یمن سیف بن ذی یزن را که در ادبیات عرب بسیار معروف است و یکی از پادشاهان حمیری یمن بوده‌است را به دربار انوشیروان فرستادند و از انوشیروان برای دفع حبشیان یاری خواستند. انوشیروان با بزرگان دربار خود مشورت کرد. آنان گفتند در زندان گروهی از بزهکاران هستند که می‌توان آنها را فرستاد، اگر کشته شوند، زبانی نرسد و اگر پیروز شوند، کشوری را بدست آورده‌ایم. خسرو این رأی را پسندید و تعداد ۸۰۰ محکوم به مرگ را به سرداری وهرز دیلمی با هشت کشتی در سال ۵۷۶ میلادی به یمن فرستاد. وهرز به محض رسیدن به یمن دستور داد تا کشتی‌هایی که ایشان را آورده بود بسوزانند تا لشکریان وی دیگر امید بازگشت نداشته باشند. فرمانده حبشیان وقتی این گروه اندک را دید، اعتنایی نکرد اما بسیاری از مردم یمن که از بیداد حبشیان به تنگ آمده بودند، با لشکریان ایران توأم شدند و شماره این گروه را پنجاه هزار تن نوشته‌اند. مردم به فرماندهی این گروه توانستند حبشیان را از یمن بیرون کنند و حتی آنها را دنبال کردند و تا حبشه تاخت و تازهایی نمودند و سیف بن ذی یزن را به پادشاهی یمن نشانند. به این ترتیب از آن پس یمن فرمانبردار ایران شد و سیف بن ذی یزن نیز خراج به دربار ایران می‌فرستاد ولی چندی نگذشت که چند تن از حبشیان که در خدمت او مانده بودند، او را کشتند. وهرز دوباره از طرف انوشیروان مأمور شد که فتنه یمن را فرو نشاند و خود از طرف دولت ساسانی در آنجا به حکمرانی پردازد. بدینگونه تا ظهور اسلام مردم یمن تبعیت از حکمرانان ایرانی می‌کردند و بازماندگان گروهی که انوشیروان به یمن فرستاد را اعراب ابناء (جمع ابن) می‌نامیدند. از آنجا که در این زمان به خاطر جنگ‌ها و فتوحات انوشیروان، تجارت ابریشم از طریق راه زمینی برای روم مشکل شده بود، راه دریایی‌ای که از طریق سیلان و دریای هند به یمن و بنادر جنوب عربستان می‌آمد، اهمیت یافته بود. به همین جهت بیزانس برای تسلط بر یمن اهمیت خاصی قائل بود. از این رو فتح یمن به وسیله ایران، در عین حال جوابی بود که خسرو به مذاکرات تحریک آمیز و ماجراجویی‌هایی می‌داد که از چندی پیش، بین بیزانس و خاقان ترک بر ضد ایران در جریان بود. باذان (بادان) از سوی خسرو پرویز بر یمن فرمان می‌راند و بر سرزمین‌های حجاز و تهامه نیز سرپرستی داشت و پس از اسلام از سوی پیامبر در همین سمت ابقا شد. وی در سال ۱۰ هجری کشته شد و پسرش (شهر) از سوی پیامبر در همان سمت ابقا گردید. باذان از سوی خسرو پرویز فرمان گرفت تا گزارشی درباره محمد، پیامبر اسلام به او بدهد. در آن هنگام باذان دو ایرانی به نام‌های بابویه و خرّه خسرو را به مدینه فرستاد تا از

چندوچون اسلام آگاهی بیاورند.محمد از آمدن همراه آن دو نفر سر باز زد و به آنان کشته شدن خسرو پرویز به دست پسرش را گفت. آن دو مرد بازگشتند و این خبر را به باذان رساندند. او تا رخدادن این پیش‌بینی صبر کرد، پس از آن که درست بودن آن ثابت شد، باذان و گروهی از ایرانیان یمن (برخی از اسواران و آزادگان) مسلمان شدند و اینان نخستین گروه ایرانی بودند که به اسلام گرویدند.برخی باذان را جز صحابه می‌شمردند.او پسر دیگری بنام مهران نیز داشتبر طبق روایت شاهنامه باذان از جمله سردارانی بود که به خسرو پرویز در آذرآبادگان پیوسته بود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۱۸۳/ایرانی-یمن>